

تاریخ فشرده پرچم آذربایجان جنوبی در سده بیستم

مهران بهاری-۲۰۰۸

<http://millibayraq.blogspot.com/>

سؤزوموز

در ارتباط با سمبل ملی-تاریخی پرچم، در قرن بیستم شاهد دو گرایش متضاد در میان دو گروه ملی عمده ایران هستیم. گرایش اول، قلب تدریجی ماهیت پرچم سبز و سفید و سرخ افشاری-قاجاری و نشان شیر و خورشید و شمشیر سلجوقی-مغولی-قزلباشی به نمادی زرتشتی-پارسی- آریائی از سوی دولتین پهلوی-جمهوری اسلامی، قومیتگرایان فارس و نژادپرستان آریائی؛ و تصاحب گام به گام این پرچم و نشان تاریخی دول ترکی و آذربایجانی حاکم بر ایران از سوی قوم فارس است. گرایش دوم واکنشی به گرایش مذکور و در جهت خلاف آن، یعنی اعراض و دوری گام به گام و تدریجی ترکان و آذربایجانیان از این پرچم و نشان اصلا ترکی و آذربایجانی، اما غصب شده توسط قوم همسایه فارس می باشد.

گرایش نخست: پرچم مشروطیت ایران، فرم تعدیل شده یکی از پرچمهای سلطنتی و دولتی دوره ناصرالدین شاه، پادشاه دولت ترکی و آذربایجانی قاجار است. این پرچم خود برآیند و میراث بسیار طولانی دهها امپراطوری و دولت و بیگلرک و اتابکی ترکی در تاریخ می باشد. به طور خلاصه سه رنگ سبز و سفید و سرخ آن میراث دولت افشاری-قاجاری، و نشان شیر و خورشید و شمشیر آن گذشته و هویت سلجوقی-مغولی-قزلباشی دارد. این پرچم با اندکی تعدیل به عنوان پرچم مشروطیت و سپس دولت پهلوی قبول شده است. پس از آن، رابطه این پرچم با اصل و تاریخ ترکی و آذربایجانی خود منقطع و برای آن شناسنامه و هویت جدید و جعلی آریائی- ایرانی-زرتشتی-پارسی ایجاد گردیده است. به گونه ای که اکنون این پرچم اصلا ترک و آذربایجانی، در ایران و خارج آن به نادرستی سمبل ملی قوم فارس و دولتمداری ایرانی شمرده می شود.

گرایش دوم: به موازات تغییر شناسنامه و هویت پرچم سه رنگ ترکی و آذربایجانی قاجاری-مشروطیت از سوی فارسیها و دولت ایران، ترکان این کشور و آذربایجانیان جهان نیز در واکنشی اعتراضی تدریجا از آن اعراض نموده اند. به گونه ای که امروز پس از یک صد سال، قاطبه جریانات و گروههای سیاسی ترک گرا و آذربایجان مرکز، کلا این پرچم را نفی و به طرح پرچمی جدید برای آذربایجان بر خاسته اند. نخستین این جریانات در آغاز قرن بیستم "مجلس اتحاد اسلام آذربایجان" به مرکزیت اورمیه، و نخستین آنها در سالهای اخیر "تورک دئموکراتیک

بیلاتفورمو" در پایان قرن بیستم است. (در گذشته جریانات و گروههای سیاسی آذربایجانی معتقد به تمامیت ارضی ایران، عمدتا از نفی این پرچم خودداری کرده، به جرح و تعدیل در آرم میانی پرچم مشروطیت اکتفا نموده اند. نمونه این جریانها "حکومت آزادستان" و "حکومت ملی آذربایجان" است. اما جریانات و گروههای سیاسی آذربایجانی معاصر ایرانگرا و معتقد به تمامیت ارضی ایران، در گامی به عقب، حتی از پیشنهاد پرچم برای آذربایجان جنوبی نیز ابا دارند. نمونه اینگونه جریانات، ج.ف.د.آ (جنبش فدرال دمکرات آذربایجان) است.)

بیرقهای دولت ترکی آذربایجانی افشار با نوارهای سبز، سفید و سرخ

پرچم سه رنگ فعلی ایران، یعنی نوارهای سرخ و سبز و سفید، یادگار بیرق دولت ترکی آذربایجانی افشار و شخص نادرشاه است. این رنگها نخستین بار توسط نادرشاه افشار و با الهام از پرچمهای سرخ و سفید و سبز امپراتوری ترکی عثمانی انتخاب و پذیرفته شده و بر روی پرچمهای سلطنتی و نظامی دولت ترکی آذربایجانی افشار بکار رفته اند. کاربرد سه رنگ و نوار سبز و سفید و سرخ همزمان در پرچمها در وضع و حالات مختلف و ایجاد بیرقهای صرفا متشکل از سه رنگ فوق، با الهام از رنگهای پرچمهای امپراتوری تورکی عثمانی در دوره افشاری، یکی از مهمترین دگرگونیها در تاریخ پرچم دولتهای تورکی-آذربایجانی است. نادر شاه افشار که از تورکمانان آذربایجان (ایل افشار، اوبماق قریخلی، اصلا از آسیای صغیر، ترکیه امروزی) بود، و دولت عثمانی-که خود را هم تبار آنان می شمرد- را خلیفه کل جهان اسلام و دنیای تورک می دانست، از جنبه های بشمارای متاثر از این دولت بوده است. یکی از اساسی ترین این تاثیرپذیریها، اقتباس سه رنگ سرخ و سفید و سبز از پرچمهای دولت عثمانی و طراحی بیرقهای دولت افشاری با الهام از آنها می باشد. رنگ سرخ در پرچم نادرشاه افشار، ملهم از پرچمهای سرخ رنگ دولت عثمانی است، که آن نیز به نوبه خود رنگ اصلی پرچم بسیاری از دولتهای تورکی باستان و همچنین دولتهای بی شمار تورکی متاخر، از جمله سلجوقیان است. رنگ سبز در پرچم نادرشاه افشار ملهم از پرچمهای سبز رنگ دولت عثمانی است، که آن نیز به نوبه خود نشانه اسلام در این امپراتوری بوده است (رنگ سبز، نشانه اسلام نیست؛ نشانه ای است که عثمانیان برای امور دینی اسلامی جعل کرده و بکار می برده اند).

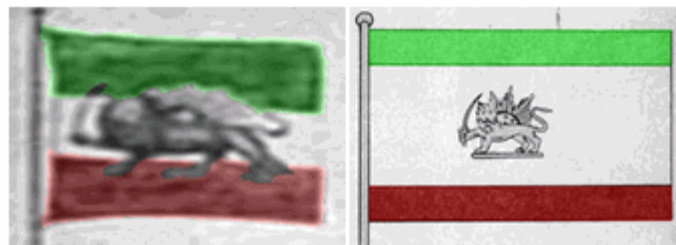


نادرشاه افشار، نین بایراغی

در مینیاتوری در پشت جلد کتاب «ترهت الاواح» ترسیم شده در اوایل سلطنت ناصر الدین شاه، که مجلس جنگ دو امپراتور تورک، نادر شاه افشار و محمد شاه کورکانی پادشاه هند را نشان می دهد، سپاهیان دولت ترکی آذربایجانی افشاری بیرق هایی سه گوش و نوکدار با متن سفید رنگ در دست دارند. قسمت پائینی دور این بیرقها را نواری سرخ و قسمت بالائی آن را نواری سبز رنگ احاطه کرده است. پرچم به یلیک (سلطنتی) شاهی یا بیرق سلطنتی نادرخاقان، از ابریشم زرد و سرخ همراه با تصویر شیر و خورشید قزلباشی بود. در وسط پرچم شیری زرین با دم علم کرده به صورت نیمرخ در حال راه رفتن ایستاده و شمشیری در دست ندارد. در پشت شیر، خورشیدی نیمه طلوع کرده ترسیم و بر شعاع آن و در درون دایره خورشید عبارت قرآنی "المک الله" آمده است. در قسمت وسط و پایین "جقهی نادری" نیز که اینک در موزهی جواهرات سلطنتی در بانک مرکزی ایران محفوظ است، تزئینات متقارنی از اشکال لوله‌های توپ و نیزه و درفش و طبل دیده می‌شود که در آن پارچه بیرق مستطیل شکل و مرکب از سه رنگ سرخ و سفید و سبز است و رنگها با سنگهای یاقوت و الماس و زبرجد (زمرد کم رنگ) نمایانده شده اند.

پرچم مشروطیت ایران، پرچم دولت ترکی - آذربایجانی قاجار در عهد ناصرالدین شاه است

یکی از بیرقهای دولت ترکی آذربایجانی قاجار که در زمان ناصرالدین شاه بر روی ساختمانهای سلطنتی و دولتی در قلمرو قاجاری بر افراشته می شد، دارای سه نوار سبز و سفید و سرخ بود. رنگها و آرم این پرچم ملهم از پرچم نادر شاه افشار و فرم تکامل یافته آن است. در این بیرق که از همه بیرقهای قاجاری معروفتر بود، عرض نوارها مساوی نبوده در بالا پارچه ای سبز؛ در پایین، پارچه ای سرخ یا ارغوانی؛ و در وسط پارچه ای عریضتر از دو نوار دیگر به رنگ سفید دوخته می شد. بر این بیرق، شیر و خورشید و شمشیر ترکی (سلجوقی-مغولی-قزلباشی) بزرگی بر روی قسمت سفید نقاشی می گردید. در این دوره همچنین بیرق مشابه دیگری با سه نوار سبز در بالا، سفید در قسمت وسط و سرخ رنگ در قسمت پایین وجود داشت که در آن، متفاوت از بیرق قبلی، سه نوار عرضا متساوی بودند و شیر و خورشید و شمشیر ترکی (سلجوقی-مغولی-قزلباشی) بر روی هر سه رنگ امتداد می یافت. این بیرق نیز مانند بیرق قبلی، بر ابنیه دولتی و سلطنتی افراشته می شد.



ناصرالدین شاه دؤنهمی تورک آذربایجان قاجار دؤولتی بایراقلاریندان

در برخی منابع فارسی ادعا می شود که "رنگهای کنونی پرچم ایران را در مشروطیت اول اختراع کرده‌اند"، و یا اینکه "طراحی و تقسیم بیرق مشروطیت به سه رنگ سبز و سفید و سرخ، ابتکار و ایجاد مشیرالدوله است". این ادعاها مقرون به حقیقت نیست، زیرا همانگونه که فوقا مشاهده می شود در میان بیرقهای دولتی و رسمی دولت ترکی آذربایجانی قاجار در دوره ناصرالدین شاه بیرقهایی مشابه بیرق دوره مشروطه وجود داشته و علاوه بر آن، حتی بسیار پیش از دوره ناصری، در زمان نادرشاه افشار، دولت ترکی آذربایجانی افشاریه نیز به تقلید از بیرقهای عثمانی دارای بیرقهایی با سه رنگ سبز و سفید و سرخ بوده است.

البته از حدود سال ۱۳۱۹ ه. ق. تا تصویب متمم قانون اساسی و ایجاد بیرق سه رنگ دوره مشروطه، به جای پرچم فوق، پرچم دیگری به عنوان پرچم دولت قاجاری بکار رفته است. در این پرچم حاشیه سبز رنگی در سه طرف متن سفید با آرم شیر و خورشید و شمشیر ترکی وجود دارد و طرف میله بیرق نیز بدون حاشیه است. و اما کاری که مشیرالدوله تبریزی به هنگام نوشتن متمم قانون اساسی انجام داده، انتخاب دو بیرق مذکور از میان بیرقهای متعدد دولت ترکی آذربایجانی قاجار دوره ناصری، ترکیب آندو و سپس معرفی بیرق حاصله به عنوان بیرق مشروطیت است. وی ایده مساوی بودن عرض سه نوار را از بیرق نخست و ایده قرار دادن آرم شیر و خورشید و شمشیر ترکی در وسط نوار سفید را (در داخل نوارهای سرخ و سبز امتداد نمی یافت) از بیرق دیگر دوره ناصری اخذ کرده، و ترکیب آنها را در بیرق مشروطیت بکار برده است. پس از تصویب متمم قانون اساسی که بموجب اصل پنجم آن «الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید» اعلام گردید، رفته رفته، بیرق مصوب مجلس شورای ملی، جای بیرقهای رسمی سابق و پرچمها و علمهای متفرق دیگر را گرفته، بتدریج در سرتاسر قلمرو قاجاری متداول گردید.



مشروطیت بایرافی - میرزا یوسف خان مشیرالدوله تبریزی

با این اوصاف، بیرق مشروطیت اصلا ترکیب دو بیرق دولت ترکی آذربایجانی قاجاری به عهد ناصرالدین شاه که خود ملهم از بیرق دولت ترکی آذربایجانی افشاری است می باشد و بنابراین مانند همه بیرقهای دولت قاجار و دیگر دولتهای ترکی و آذربایجانی قبل از آن، تماما شناسنامه و هویت ترکی و آذربایجانی دارد. انتخاب و تعدیل این بیرق از سوی دولتمرد و روشنفکر تورک و آذربایجانی مشیرالدوله تبریزی، نه تنها این وضعیت را عوض نکرده،

بلکه هویت و شناسنامه ترکی و آذربایجانی این بیرق را پررنگتر نموده است. (میرزا یوسف خان مستشار الدوله تبریزی مولف کتاب "یک کلمه" که نقشی عظیم در روشنگری مردم ایران در عصر قاجار داشت، نخستین روشنفکر ترک و آذربایجانی است که افکار مدرن و مترقی ای مانند "منشاء قدرت دولت، اراده جمهور ملت است؛ تفکیک قدرت دولت از قدرت روحانی ضروری است؛ حقوق انسانی مسلمانان و اقلیتهای مذهبی و اعتقادی برابر است؛ تمام شهروندان در مقابل قانون برابرند و ... " را به ایران وارد کرده است).

نگاهی به عناصر تورکی پرچم ایران و سیر تطور آنها در بیرقهای دول تورک

تاریخ ترک یک واحد یکپارچه است. دولتها و خاندانهای تورکی در تاریخ و سنن دولتمداریشان ادامه و وارث یکدیگر بوده اند. دولت ترکی آذربایجانی قاجار نیز از آسمان نیافته است. این دولت ادامه دولت های تورکی آذربایجانی افشاری و صفوی است. دولت صفوی ادامه دولتهای تورکی آذربایجانی آغ قویونلو، قارا قویونلو و ایلخانی است. دولت ایلخانی ادامه دولتهای اتابکان و ایلکانیان و ائلدیزیان و احمد یلیان و ... در آذربایجان و ایران است. آن دولتها نیز بنوبه خود ادامه دولت ترکی خارزمشاهیان که خود ادامه دولت ترکی سلجوقیان کبیر بود است. دولت سلجوقیان کبیر وارث و ادامه قاراخانیان، دولت قاراخانیان ادامه دولت اویغوری، آن نیز ادامه دولت گوک تورک، آن هم ادامه دولت آپارها، آپارها ادامه سیئن پیها و سیئن پیها ادامه کونها و ... می باشند. این سلسله ها و خاندانهای پی در پی، عناصر بلانقطاع یک واحد دولت تورکی و یک سنت دولتمداری واحد ترکی در تاریخ اند.

تلقی پرچم سه رنگ امروزی به عنوان سمبلی ایرانی (زبانی و تباری) غلطی مشهور ناشی از جعل تاریخ است. پرچم سه رنگ سبز و سفید و سرخ، پرچمی افشاری-قاجاری و نشان شیر و خورشید و شمشیر نشانی سلجوقی-مغولی-قزلباشی و در نتیجه کل این پرچم پرچمی ترکی و آذربایجانی است. این پرچم، از هیچ جنبه ربطی به قوم فارس و یا دیگر اقوام ایرانی زبان (ایرانی، خانواده زبانی متعلق به زبانهای هند و اروپایی و تبار منسوب به ایشان و یا دولتهای آنها) نداشته؛ تماما ریشه، منشاء، هویت و تاریخی تورکی دارد. حتی تمام کلمات مربوط به این سمبلها از "پرچم" تا "بیرق" و "توغ" و "سانجاق" ... در زبان فارسی، واژه هائی ترکی بوده (به غیر از چند کلمه رایج و علم و ... که منشا عربی دارند) و معادل فارسی ندارند. پرچم افشاری-قاجاری سه رنگ، منقوش به نشان سلجوقی-مغولی-قزلباشی شیر و خورشید و شمشیر، بیشک جزئی از تاریخ سیاسی، فرهنگی و اعتقادی گروهها و دول ترکی و آذربایجانی حاکم بر ایران، بخصوص غلات قزلباش (بوینزه صفوی، افشار، و قاجارها) که اصلا از خاک آسیای صغیر-ترکیه و سوریه امروزی بوده اند، می باشد.

در زیر به طور فهرست وار به تطور تاریخی عناصر تشکیل دهنده این پرچم توسط دولتهای تورک اشاره می شود:

الف-سه رنگ و نوار سبز، سفید و سرخ افشاری-قاجاری

رنگ سرخ در پرچم ترک: در نزد اقوام و دولتهای تورکهای باستان رنگ قرمز نماد ترکیت، نشانه جنوب، سمبل خدا، ارواح محافظت کننده، خانه، صلح، استقلال و آزادی است. در دوره تورکان باستانی شامان، بیرقهایی که به شرف ارواح برافراشته می شده اند به رنگ سرخ بوده اند. رنگ سرخ بویژه در پرچمهایی که در زمان جنگ برافراشته می شدند بکار می رفته است. طبق منابع چینی در اوتاق خاقان قیرقیزهای شمال، از معاصرین هونهای آسیایی، پرچمی به رنگ سرخ افراشته بوده که همه به آن ادای احترام می کرده اند. در داستانهای حماسی ماناس قیرقیزها نیز، بایراق سرخ رنگ ذکر شده است. ترکان اوغوز پس از قبول دین اسلام، موفق شده اند که به سنن تاریخی خود از جمله فرهنگ پرچم و رنگ سرخ آن پایبند باشند. آنها در قرن ۱۱ میلادی دارای پرچمی به رنگ سرخ بوده اند که به آن، مانند امروز، بایراق گفته میشد. نخستین بار در تاریخ سیاسی دولتهای مسلمان ترک، دولت قاراخانی است که پرچمی دولتی از پارچه ای سرخ و یا ترنجی به نام "آل" را بکار برده است. در قیام آلدونلار (قیزیل ایهینلیلر- آل گییملیلر، به فارسی خرمیان) آذربایجان به رهبری بایبک بر علیه نیروهای اشغالگر عرب، از سوی این مقاومت نیز پرچمهای سرخ بکار برده شده و از اینرو از سوی تاریخنگاران به نام آلدونلار (قیزیل ایه- یینلیلر- قیرمیزی گییملیلر) و به عربی محمره و به فارسی سرخ جامه گان مشهور شده اند. به فرماندهان غزنویان پرچمهایی پارچه ای به رنگ قرمز داده می شده است. از سلجوقیان آتابک محمد پهلوان دارای پرچمی سرخ با فیگور اژدها بر روی آن بوده است. ارتش توغرول اوغلو آرسلان (ارسلان ابن طغرل) از سلجوقیان عراق دارای پرچمی ابریشمی به رنگ سرخ بوده است. سلجوقیان آناتولی (آسیای صغیر) علاوه بر دیگر پرچمها، پرچم سرخ (آل بایراق) را نیز بکار برده اند. ارتش این دولت ترکی، پرچمهایی به رنگ سرخ و یا زرد که بر آنها سمبولهایی مانند سمبولهای دیگر دول ترکی نقش بسته بود، داشته اند. تیمور به علامت حکمرانی خود، علاوه بر پرچم سفید، پرچمهایی به رنگهای زرد، قرمز و یا بنفش را نیز بکار برده است. امیر احمد خلج از دولت تورکی خلج هندوستان دارای پرچمی به رنگ سرخ بوده است. دولت جاندار اوغولاری (در شمال شرقی ترکیه، در سواحل دریای سیاه، بین سالهای ۱۴۶۱-۱۲۹۱) دارای پرچمی به رنگ سرخ با قرص ماهی به رنگ زرد بر آن بوده است. دولت گرمیان اوغولاری دارای پرچمهایی از پارچه سرخ بوده که در دنیزلی و آلاشهر (آلاشهر قیزیل افلاذیسی) بافته می شده اند. در قرن ۱۴ میلادی رنگ پرچم عثمانیان سرخ بوده است. توپچیان (توپچو اوجاگی) در سپاه عثمانی پرچمی به رنگ قرمز داشته اند که بر آن یک توپ نقش شده بود. نارنجک اندازان نیز دارای پرچمی به همان رنگ با توپی در میان آن بوده اند. اوجاق سپاهی پرچمی سرخ داشت که بر آن دو هلال ماه نقش بسته بود. اورخان غازی از عثمانیان در جنگها مانند پدر و جد خویش سانجاق قرمز را بکار می برد. سلطان محمد فاتح پرچمی به رنگ سرخ داشته است. در طول قرن نوزده نیز پرچمهای دولت عثمانی عموماً به رنگ قرمز همراه با ماه و ستاره بوده است. در قرن نوزده پرچمهایی که خاندان عثمانی را تمثیل می نمودند، به رنگ سرخ بسیار تند (آلبالوئی) بوده اند که در میانشان خورشید تو خالی هشت گوشه ای وجود داشت.

در تاریخ معاصر آذربایجان و ایران، آغامحمدخان قاجار که دارای شعور ملی تورکی بود، با تبعیت از سنن دول تورکی باستان و قدیم پیش از خود، رنگ سرخ را تنها رنگ پرچم خویش قرار داده است. پس از وی در دوره فتحعلی شاه، بیرق های بزرگ جنگ به رنگ سرخ بوده اند. در وسط این بیرقهای یکسره سرخ، شیری نشسته (بی)

شمشیر) و خورشیدی بر پشت آن که پرتوهایش سراسر پرچم را می پوشاند قرار دارد. "ردلیک" در باره رنگ سرخ پرچم فتحعلی شاه می گوید: "... رنگ سرخ از پرچم سلسله ترکان سلجوقی که سالها در ایران سلطنت کرده‌اند گرفته شده و چندان هم بی دلیل نیست زیرا فتحعلی شاه از سلسله قاجاریه بود و اصلاً از نژاد ترک می‌باشد." بیرق محمد شاه قاجار نیز به رنگ سرخ بوده است.

رنگ سبز در پرچم ترک: در نزد تورکهای باستان رنگ سبز نشانه شرق، سمبل حیات، تازگی و جوانی است. طبق ابودلف پرچم قیرقیزها در قرن ده میلادی به رنگ سبز بوده است. غزنویان نخست دارای پرچمهایی به رنگ سبز بوده اند که بر روی این بیرقها، نام فرمانروایان و فرماندهان ترک نقش بسته بود. دولت آیدین اوغوللاری (در جنوب غربی ترکیه بین سالهای ۱۴۲۶-۱۳۰۸) دارای پرچمی به رنگ سبز بوده است. پرچم سبز رنگ از دیرباز در میان عثمانیان نیز بکار می رفته است. رنگ سبز، سمبلی قراردادی به نشانه اسلام در پرچمهای امپراتوری عثمانی بوده (و نه سمبلی که دین اسلام برای خود تعیین کرده باشد). پرچم سبز در دوره عثمانی بویژه در هنگام غذا و جنگ با کفار بکار می رفته و بر روی آنها هلال و خورشید با اشعه هایش، همچنین کلمه شهادت و بخشهایی از سوره فتح نوشته می شد. بنا به تاریخ لطفی در جنگ چالداران، پرچم سبز رنگ بکار رفته است. در زمان سلطان سلیم قانونی، اوجاقهای قاپی قولو، پرچمهایی به رنگ سبز بکار می برده اند. در دوره عثمانی پرچم سبز، همچنین در نیروی دریائی و سانجاقها بکار می رفته است. چنانچه پرچم باربادوس فرمانده نیروی دریائی که دارای نقش ذوالفقار نیز می باشد، به رنگ سبز است. همچنین بنا به اولیاء چلبی سواران روم ائلی هنگام هجوم، پرچم سبز بکار می برده اند. در زمان سلیمان قانونی علاوه بر سفید، پرچمهایی به رنگ سبز و سیاه نیز بکار رفته است. رنگ سبز در قرن نوزده بیشتر در کشتیهای حجاج بکار برده شده است. طرح این پرچمها همانند پرچم ملی عثمانی و صرفاً رنگ آنها سبز بوده است.

پرچم شاه اسماعیل اول موسس امپراتوری ترکی آذربایجانی قیزیلباش صفوی، با الهام از پرچمهای سبز رنگ عثمانی، یکسره سبز رنگ با آیه هائی از قرآن نوشته شده بر آن بود و بر بالای آن تصویر ماه قرار داشت. در زمان فتحعلی شاه قاجار پرچم زمان صلح این دولت نیز بیرقی یکسره سبز رنگ، با شیری نشسته شمشیر بدست و خورشید بر پشت بود.

رنگ سفید بر پرچم ترک: در نزد تورکهای باستان رنگ سفید نشانه غرب و سمبل حاکمیت و حکمرانی بود. در برخی منابع پرچم چنگیزخان به صورت هلالی سیاه رنگ بر زمینه ای سفید توصیف شده است. پرچم دولت ایلخانی که وارث مونتقولهها بشمار می رود به رنگ سفید بوده است. تیمور، به علامت حکمرانی خود، به همراه پرچمهای زرد، قرمز و بنفش، پرچم سفید را نیز بکار برده است. دولت تکه اوغوللاری (دولتی در جنوب ترکیه فعلی به مرکزیت آنتالیا، بین سالهای ۱۳۲۱-۱۴۲۳)، دارای پرچمی با زمینه سفید که بر آن ستاره ای شش پر نقش بسته بود بودند. نخستین نمونه های پرچمهای عثمانی نیز به رنگ سفید بوده اند. اورخان غازی توغ و سانجاق سفید را به عنوان "یادگار سلجوقی و نشان حکمداری" در اقامتگاه خود محافظه می نمود. در دوره متاخر عثمانی

پرچم سفید رنگ، صرفاً مخصوص پادشاه بود. این سنت پس از فاتح تا زمان بایزید دوم و سلیم اول نیز ادامه یافته است.

بر پرچم دولت ترکی و آذربایجانی آغ قویونلوها که به رنگ سفید بود، گوسفند و خورشیدی به رنگ سفید نقش بسته بود. پرچم رسمی دولت قارا قویونلو نیز به رنگ سفید بود. در موزه بحری کرونبورگ دانمارک مربوط به دوره امپراتوری ترکی آذربایجانی صفوی در قرن شانزدهم میلادی، صورت پنج نوع بیرق دیده می‌شود که یکی از آنها بیرقی است چهارگوش با متن سراسر سفید و با سه راس شیر سیاه در وسط آن. در زمان فتحعلی شاه قاجار، با الهام از پرچم سفید دیپلماتیک سلاطین عثمانی، استفاده از پرچم سفید رنگ برای مقاصد دیپلماتیک و سیاسی مرسوم شد. در تصویری که یک نقاش روس از ورود سفیر فتحعلی شاه "ابوالحسن خان شیرازی" به دربار تزار روس به شهر پتروگراد کشیده، پرچمی یکسره سفید رنگ منقوش به شیر و خورشید و شمشیر ترکی (سلجوقی- مغولی- قزلباشی)، پیشاپیش سفیر در حرکت است.

ترکیب رنگهای سبز، سفید و قرمز بر پرچم ترک: در داستان هنگ ایگور که از داستانهای قدیمی روسی است، از پرچم های سرخ و سفید رنگ تورکان قیچاق-کومان سخن می‌رود. نیمه پرچم اصلی سپاه یئنی چئری عثمانی، سبز و نیمه دیگر آن قرمز بود و در میانش شمشیر ذوالفقار زردوزی شده بود. سواره قاپی قولو، پرچمی چاکدار از سه سو، نیمه قرمز و نیمه سبز بر سرنیزه های خود نصب می‌کرده‌اند. امروز در موزه توپ قاپی و دنیز ترکیه، بیش از صد پرچم و سانجاق مربوط به دوره عثمانی موجود است که عموماً به رنگهای سفید، قرمز و سبز اند. این پرچم های سپاهیان عثمانی، اولگوی افزودن نوارهای سبز و قرمز بر پرچمهای دولتهای ترکی قیزیلباش حاکم بر آذربایجان و ایران مانند صفوی، افشار و قاجار و بویژه منبع اساسی الهام نادرشاه افشار (از ترکان اوغوز- ایل افشار، اصلاً از آسیای صغیر ترکیه امروزی) در طراحی پرچمهای سه رنگ دولت ترکی آذربایجانی افشار بوده‌اند.

در دوره دولت ترکی آذربایجانی افشاری، بیرقها بویژه پرچمهای نظامی با توجه به عملیات گسترده نظامی نادرخاقان، اهمیت فوق العاده ای یافت، چنانچه هر واحد نظامی بنرهای خاص خود با نوارهای سرخ و سفید را داشت. بیرق های بزرگ سلطنتی دوره افشاری مثلثی شکل و نوکدار، با متن سراسر سفید رنگ بودند و دور آنها را در قسمت پائینی نوار قرمز، و در قسمت بالائی نوار سبز احاطه کرده بود. این نخستین کاربرد سه رنگ سبز و سفید و سرخ بر پرچم و استفاده از پرچمهای صرفاً متشکل از این سه رنگ در میان دولتهای ترکی و آذربایجانی حاکم بر ایران است.

بیرق مستطیل ترک: تا دوره مشروطیت در مقاطع مختلف دولتهای ترکی آذربایجانی صفوی، افشار و قاجار بیرقهای چهارگوش و مستطیل شکل نیز بکار برده‌اند. چنانچه در موزه بحری کرونبورگ دانمارک صورت پنج نوع بیرق صفوی قرن شانزدهم میلادی بافته دیده می‌شود که یکی از آنها بیرقی است بنام بیرق شاهزاده، به شکل چهارگوش با متن سفید و با سه راس شیر سیاه در وسط آن. در قسمت وسط و پایین "جقه‌ی نادری" که اینک در

موزه‌ی جواهرات سلطنتی در بانک مرکزی ایران محفوظ است، تزئینات متقارنی از اشکال لوله‌های توپ و نیزه و درفش و طبل دیده می‌شود که در آن پرده‌ی بیرق مستطیل شکل و مرکب از سه رنگ سرخ و سفید و سبز است. در دوران آغامحمدخان قاجار، سر سلسله قاجاریان نیز، پرچم‌های چهارگوشه بکار رفته است.

ب- نشان سلجوقی-مغولی-قزلباشی شیر، خورشید و شمشیر

خورشید: بنا به اعتقادات تورکان باستان، و در باور شامانیسم خورشید و ماه مقدس شمرده می‌شد و بر روی مزارها آینه‌هایی که سمبل ماه و خورشید و منعکس‌کننده تنگری بودند گذاشته می‌شد. این عادت که در میان تورکان هون نیز اجرا می‌شد، اکنون هم در میان برخی از ترکان رایج است. خورشید یکی از موتیوهائی است که از آسیای میانه به هنرهای دستی ترکان ایران، آذربایجان و آسیای صغیر وارد شده و به وفور در بافته جات اقوام و ملل ترک مانند فرش و کلیم و ججیم و زیلو و... بکار رفته است. این نقش خورشید عموماً با اشعه‌هایش و به شکل تمام و یا نیمه تصویر می‌شود. بر روی بعضی از پرچمهای متاخر عثمانی، هلال، ذوالفقار، خورشید، و ماه و ستاره بکار رفته است. در قرن نوزدهم پرچمهایی که خاندان عثمانی را تمثیل می‌نموده‌اند، به رنگ سرخ بسیار تند (آلبالویی) بوده‌اند که در میانشان خورشید تو خالی هشت گوشه‌ای وجود داشت (کم کم به ستاره هشت پر تبدیل شده است). خورشید در میان ترکان قزلباش و علوی، معادل خدا-خورشید (تانری-گونش) ترکان باستان بوده و تمثیلی از علی است. هم از اینروست که علویان ترک اهمیت فوق‌العاده‌ای به خورشید (گونش)، نور (ایشیق)، آتش (اود) و آتشگاه (اوجاق) میدهند. بر پرچم و سکه‌های دوره شاه طهماسب، تصویر گوسفندی طلائی رنگ در مقابل خورشید در حال صعود ترسیم شده است. در هر دو پرچم جنگ و صلح فتحعلی شاه قاجار، پرتوهای خورشید سراسر زمینه‌ی یکسره سرخ پرچم را فرا می‌گرفت.

نشان خورشید بر پرچم اقوام و دولتهای ترکی، بر خلاف آنچه قومیت‌گرایان فارس ادعا کرده‌اند کوچکترین ارتباط و علاقه‌ای با مذهب-آیین میترائیسم و تقدس خورشید در آیین ایرانیان کهن ندارد. هیچ سند، مدرک، دلیل، قرینه و یا سببی وجود ندارد که بر اساس آنها بتوان بین نشانه خورشید در پرچمها و سکه‌های اقوام و دولتهای تورک و موقولی و قزلباشی در تاریخ با اقوام ایرانی و آیینهایی مانند زردشتیگری و میترائیسم و ارتباط و یا تاثیرپذیری حتی از دور قائل شد.

شیر: تصویر نمودن حیوانات بر پرچمها، نشانگر ادامه سنت مقدس و خوش‌یمن شمردن برخی از فیگورهای حیوانی در میان تورکان باستان است. بر پرچم سیاه رنگ فرمانروای تورکان ساکا، آپ ارتونقا تصویر گری، اژدها، پلنگ، و یا شیر نقش بسته بود. دولت غزنویان نخستین دولت تورکی مسلمان است که بر پرچمهای سیاه، سرخ و یا سبز خود، هلال ماه و حیواناتی مانند پرنده‌ها، شیر و یا پلنگ را نقش کرده است. این نخستین نمونه‌های جانداران بر پرچم دولتهای ترکی پس از اسلام است که پس از آن بر بسیاری از پرچمهای دول ترکی حاکم بر ایران کنونی نقش بسته است. در سال ۱۰۳۱ میلادی سلطان مسعود غزنوی دستور داد نقش و نگار یک شیر

جایگزین طرح ماه بر پرچم دولت ترکی غزنوی شود. بر پرچم و سکه های بسیاری از پادشاهان غزنوی مانند آرغون خان از قرن سیزده، نقش شیر و یا پلنگ ترسیم شده است. بنا به متون ادبی بیادگار مانده از دوره سلجوقیان کبیر، پرچمهای این دولت دارای فیگورهای ازدها (نماد محافظت)، شیر (نماد قدرت) و پرنده هما (نماد سعادت) به همراه هلال ماه بوده است. بسیاری از شاهان دولتها و اتابکی و بیگلرکهای گوناگون سلجوقی نام آرسلان (شیر) داشته اند [از سلجوقیان کبیر در آسیای صغیر، قرن ۱۱: آلپ آرسلان، توغروغ اوغلو آرسلان و کورپه آرسلان. از آرتوقلولا: قارا آرسلان، یولوک آرسلان، آرتوق آرسلان، قارا آرسلان. از راماضان اوغوللاری: آرسلان داوود. از دولقادرها (ذوالقدر): ملیک آرسلان بگ. از آذربایجان (همدان) سلجوقلولا: آرسلان شاه. از ائلدیزلیلر: قیزیل آرسلان (مظفالدین عثمان)، قیزیل آرسلان. از سلجوقیان کرمان: آرسلان شاه اول، آرسلان شاه دوم]. در دوره علاءالدین آرسلان فیگورهای شیر و سیمرغ همزمان بکار برده شده اند. در سیاحتنامه راهبی از فرقه فرانسیسکان متعلق به قرن چهاردهم ذکر می شود که دولت ترکی مملوک مصر دارای پرچمی با نقش هلالی سفید بر زمینه زرد، و نیز پرچمی با نقش شیر در میان دایره ای سیاه بر زمینه ای زرد بوده است. در سراسر دوره مونقول و بعدها تیموری، فیگور سر شیر بکار می رفته است. سکه های مونقول شیر تنها را بکار برده اند. بر پرچم دولت ایلخانی که وارث مونقولها بشمار می رود ازدها، شیر و قاراقوش (سیمرغ) نقش بسته بود. در موزه بحری کرونبرگ دانمارک مربوط به دوره امپراتوری ترکی آذربایجانی صفوی در قرن شانزدهم میلادی، بیرقی چهارگوش با متن سفید و سه راس شیر سیاه در وسط آن دیده می شود.

خورشید بر پشت و بالای سر شیر: نقش همزمان دوگانه خورشید و شیر به دوره دولتهای تورکی سلجوقیان، اتابکان فارس ویا خوارزمشاهیان نسبت داده شده است. در زمان خوارزمشاهیان و پس از آن سلجوقیان سکه هائی زده شد که بر روی آن نقش خورشید بر پشت شیر آمده بود، رسمی که به سرعت در مورد پرچمها نیز رعایت گردید. بعد از انقراض سلجوقیان ایران، شاخه ای از این دولت در آسیای صغیر تاسیس شد و سکههایی ضرب نمود که برای اولین بار در یک طرف آنها نقش شیر و خورشید دیده می شود. سکه های بسیاری با نقش شیر و خورشید از غیاث الدین کیخسرو، پسر علاء الدین کیکاووس و از پادشاهان سلجوقی روم (ترکیه امروزی) بر جای مانده است. سکه شناسان تائید می کنند که پیش از سکه های کیخسرو، در میان دول تورک و اسلامی سکه ای با نقش شیر و خورشید دیده نشده و این سکه ها نخستین سکه ها با نقش شیر و خورشید می باشند. سرجان ملکم سفیر فوق العاده انگلیس که در سال ۱۲۲۴ هـ. ق. بدربار فتح علی شاه آمده، در تاریخ ایران که بسال ۱۲۳۱ هـ. ق. در لندن به چاپ رسانیده در باره ی پرچم و علامت دولت ترکی آذربایجانی قاجار می نویسد: "سلاطین [ترک] ایران هم از قرنهای بسیار صورت شیر و خورشید را از مخصوصات خود شمرده اند. ... این صورت در سکه یکی از سلاطین سلاجقه قونیه دیده شده است. چون هلاکو این سلسله را تمام کرد احتمال دارد که خود یا اعقاب و انسال او این نقش را به علامت این فتح اختیار کرده و از آن به بعد یکی از نشانههای [دولتهای ترکی حاکم بر] ایران شده است".



یارماقلار: ۱- آسلان -گونه شلی روم (قونیا) سلجوقلو، ۲- آسلانلی مونتقول، ۳- آسلان گونه شلی آغامحمدخان قاجار

بر روی پرچم موغولها، سمبل خورشید و شیر بکار رفته است. از خاندان مغول همانند غازان خان و سلطان محمد خدابنده سکه هائی منقوش به شیر و خورشید باقی مانده است. از پادشاهان صفوی بعد از شاه اسماعیل نیز سکه هائی منقوش به شیر و خورشید باقی مانده است. به استناد سیاحت نامه ژان شاردن جهانگرد فرانسوی در دوران صفویان استفاده از بیرق های نوک تیز و باریک که بر روی آن آیه ای از قرآن و تصویر شمشیر دوسر علی یا شیر و خورشید جای داشته، رسم و بسیار رایج بوده است. پرچم به یلیک (سلطنتی) شاهی یا بیرق سلطنتی نادر خاقان افشار، از ابریشم زرد و سرخ همراه با تصویر شیر و خورشید قزلباشی بود. نادر دو بئر دیگر، یکی با نوارهای زرد و سبز و دیگری با زمینه ای زرد و چهارچوب سرخ طراحی کرده بود که دومی در وسط دارای شیر و خورشید بوده است. پرچم آغامحمدخان قاجار عبارت بود از زمینه ای به رنگ قرمز که در میان آن شیر و خورشیدی در دایره سفید بزرگی قرار دارد. برخی آورده اند که شیر و خورشید، اولین نشان دولت ترکی آذربایجانی قاجاری بود که در زمان فتحعلیشاه صورت رسمی پیدا کرد. سفیر ارمنی فتحعلیشاه به نام «ملک شاه زاده میر داود ضادوریان» مقیم پاریس به سال ۱۸۱۷ در کتاب خود نقش همزمان شیر و خورشید بر پرچمهای دولت ترکی آذربایجانی قاجار را واکنشی به پرچمهای دولت عثمانی دانسته و چنین مینویسد: به همچشمی سلطان سلیم سوم عثمانی که نشان "هلال" را پدید آورده و پادشاهان عثمانی آنرا به اروپاییان و دیگران از ترسایان دهند، فتحعلیشاه هم نشان "مهر و شیر" را درست کرده است. در کتاب نشانهای جهان و روسیه تا سال ۱۹۱۷ (ای. گ. اسپلاسکی، لنین گراد، ۱۹۳۴، م. ص. ۹۹) در باره شیر و خورشید ایران چنین نوشته شده است: نشان شیر و خورشید در سال ۱۸۰۸ میلادی از طرف فتحعلی شاه به تقلید از اقدام سلطان سلیم سوم در ایجاد نشان هلال عثمانی تاسیس شده است. هلال احمر در زمان سولطان سلیم سوم عثمانی به تقلید از اروپا برگزیده شد. مسیو لانگله نیز در کتابش که در سال ۱۸۱۷ میلادی در پاریس به چاپ رسیده نظر فوق را ارائه کرده است. در دوره فتحعلی شاه دو بیرق شاهی و بیرق ملی و نظامی به کار می رفته است. بر روی پرچم شاهی شمشیر دو سر حضرت علی و بر بیرق ملی و نظامی شیر و خورشید قرار داشت.

شیر نشسته و ایستاده: در دوره صفوی شیر بیرق، در حالات مختلف نیم رخ، روبرو، جدا از خورشید، چسبیده به آن، نشسته و ایستاده ترسیم می شده است. در شیر و خورشیدهایی که بر روی فلوسهای دوره صفوی ضرب می شد معمولاً شیر را به حال ایستاده نقش میکردند. در وسط متن سفید پرچم نادرشاه، شیری زرین ایستاده با دم

علم کرده به صورت نیمرخ در حال رفتن است و خورشیدی نیمه طلوع کرده در پشت آن دیده می شود. بر سکه هائی از دوره آغا محمد خان قاجار، نقش شیری به حالت نشسته (یا جست) و نیمرخ و دم بر افراشته ضرب شده که خورشیدی در حال طلوع بر پشت خود دارد و در داخل قرص آن «یا محمد» (اشاره به نام آغا محمدخان) و در زیر دست و پای شیر «یا علی» نوشته شده است. در سکه ها و بیرقهای دوره فتحعلی شاه اغلب شیر را نشسته رسم می کرده اند. در زمان فتحعلی شاه همچنین نشان های شیر و خورشید با شیر نشسته مرسوم بوده است. در زمان محمدشاه نشان دیگری پدید آمد که در وسط شیر ایستاده ای خورشید بر پشت و شمشیر بدست داشته و تاج نیز بالای سر شیر قرار گرفته بود. این نشان، مخصوص شمشیر بندان اعم از اهل نظام و غیر نظام بود. به طبقات دیگر مردم و همچنین سفرا و نمایندگان کشورهای خارجه از همان نشانهای سابق اعطا می شد. بدین ترتیب در اوایل دوره ی قاجاریه (دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه)، میان نقش شیر ایستاده و نشسته فرق قایل گردیده اند. در مهرها و سر نامه های مربوط به امور نظامی و سلطنتی، بیرقهای که در صفوف لشکری حمل می گردید، ویا در بالای عمارات سلطنتی و دولتی بر افراشته می شد و شیر و خورشیدهایی که بر سر درها نقاشی و گچ بری می گردید شیر ایستاده شمشیر به دست؛ و در امور غیر نظامی، مهر رسمی مقام صدارت عظمی که بر پشت نامه های مهم دولتی نهاده می شد، نشانهایی که به طبقات مختلف مردم، بجز نظامیان و شمشیربندان اعطا می گردید، شیر نشسته رسم می شد. در دوره متاخر دولت ترکی آذربایجانی قاجاری، کم کم فرق این دو از میان رفت و تنها شیر ایستاده رواج یافت.

شمشیر: نیمه پرچم اصلی سپاه یثنی چتری عثمانی سبز، و نیمه دیگر آن قرمز بود که در میانش شمشیر ذوالفقار زردوزی شده بود. پرچم سبز رنگ باربادوس فرمانده نیروی دریائی عثمانی نیز دارای ذوالفقار بود. به استناد سیاحت نامه زان شاردن جهانگرد فرانسوی استفاده از بیرق های نوک تیز و باریک که بر روی آن آیه ای از قرآن و تصویر شمشیر دوسر علی یا شیر و خورشید بوده، در دوران صفویان رسم و بسیار رایج بوده است. در دوره صفوی نقش شمشیر ذوالفقار را بر روی فلوسهای مسی ضرب و بر روی پارچه بیرقها رسم می کردند. بر پرچم نیروی دریایی افشاری که نادرشاه ایجاد نموده بود شمشیر سرخ رنگی نقش بسته بود. کشتیهای نیروی دریائی افشاری پرچی سفید با شمشیر منحنی سرخی داشته اند. در زمان فتحعلیشاه قاجار هنوز نقش کردن ذوالفقار بر روی بیرقها متداول بوده و عده ای از بیرقهای نظامی سپاه وی نقش این شمشیر را داشته است. در این دوره دو بیرق شاهی و بیرق ملی و نظامی به کار می رفته است. بر روی پرچم شاهی شمشیر دو سر حضرت علی و بر بیرق ملی و نظامی شیر و خورشید قرار داشت.

شیر و شمشیر، شیر شمشیر بدست: هم شیر، هم خورشید و هم ذوالفقار از سمبلهای بکار برده شده از سوی ترکهای غلات در قرون وسطی است. از نخستین کاربردهای این سمبول سه گانه بیادگار مانده سکه های دوران سلاطین سلجوقی روم (آسیای صغیر) است که بر حسب تصادف بسیاری لقب قلیچ آرسلان (شیر شمشیر) نیز داشته اند. پنج تن از شاهان این خاندان ترکی قلیچ آرسلان - شیر شمشیر و یک تن توغرول آرسلان نام داشته است. [از سلجوقیان روم (ترکیه مرکزی): قلیچ آرسلان اول (۱۱۰۶-۱۰۹۲)، قلیچ آرسلان دوم (۱۱۹۲-۱۱۹۲)

۱۱۵۶)، قلیچ آرسلان سوم (۱۲۰۴)، قلیچ آرسلان چهارم (۱۲۶۴-۱۲۴۸). دولت منتشه اوغولاری (دولتی در سواحل جنوب غربی ترکیه فعلی مابین سالهای ۱۲۸۲-۱۴۲۴ که دارای نیروی دریائی بوده است)، دارای پرچی بوده که بر آن شیری پرچم بدست نقش بسته است. در تاریخ معاصر ایران، آقا محمد خان پرچمهای گوناگون صفویان که در برخی از آنها شیر و خورشید و در برخی دیگر شمشیر دو سر علی نقش بسته بود را در هم آمیخت و فیگور شیر شمشیر بدست خورشید به پشت را ایجاد نمود. این نخستین بار در تاریخ است که شمشیر در دست شیر علامت دولتهای ترکی آذربایجانی حاکم بر ایران شده است. شمشیر بدست گرفتن شیر در اواخر سلطنت فتحعلی شاه در نقش بیرق کوچک آبی رنگ نظامی رایج شد و سپس در زمان محمد شاه به علامت وسط نشانها سرایت کرده و رفته رفته بر روی سکه‌ها نیز ضرب گردید. در یکی از تصاویر پرچمهای کتاب دروویل (۱۸۲۵)، در وسط بیرق کوچک آبی رنگ، شیر نشسته شمشیر بدستی دیده می‌شود. این فیگور در سکه‌ها نیز بکار رفته است. در نقش یک عدد فلوس مسی ضرب شهر "اورمی" (اورمیه) آذربایجان که تاریخ ۱۲۴۹ هـ. ق. را دارد در دست شیر نشسته‌ی آن شمشیری دیده می‌شود.

خورشید و شمشیر: بر روی برخی از پرچمهای قرمز دوره عثمانی نقش ذوالفقار، خورشید و ماه بوده است.

صورت آدمی در پرچم: سکه‌های کیخسرو از سلجوقیان روم دارای نقش شیر و صورت شاهزاده گرجی بوده اند. در دوره فتحعلی شاه قاجار نیز به پیروی از طرز نقاشی اروپایی، شیر را یالدار گردانیده و صورت آن را که قبلا نیمرخ رسم می‌کردند، تمام رخ نگاشتند. در همان زمان در تبریز فلوسهای زیبایی با نقش خورشید صورت دار ضرب گردیده است (۵۴-۱۲۳۸ هـ. ق.).

تاج بر پشت شیر: افزوده شدن تاج بر بالای نشان شیر و خورشید به فتحعلیشاه و یا محمدشاه قاجار (جانشین فتحعلی شاه) نسبت داده شده است. در یکی از سالهای سلطنت فتحعلی شاه سفارشی برای ساختن آرم و ضرب سکه‌های ماشینی به کشور انگلیس داده شد. از سازنده‌ی آن خواسته بوده اند که چند موضوع از جمله «شیر و خورشید» و «تاج» و عبارت «اسدالله الغالب» را در آن بگنجانند. در زمان محمدشاه نشانی ایجاد کرده بودند که در وسط آن شیر ایستاده‌ی خورشید بر پشت و شمشیر بدست وجود داشته و تاج بالای سر او قرار گرفته بود. در این نشان، بر خلاف نشان پهلوی که در آن تاج بر بالای خورشید است، تاج ترکی در بالای سر شیر قرار گرفته است.

بازنویسی تاریخ در دوره مشروطیت بر اساس نژادپرستی آریائی و قومیتگرایی فارسی و تبدیل "بیرق ترکی آذربایجانی سلجوقی-صفوی-قاجاری" به "درفش آریائی-زرتشتی-ایرانزمینی"

قوم فارس، بر عکس ملل دیگر ساکن در ایران مانند ترک و عرب و یهود و ارمنی و کرد و لر و ... از اقوام تاریخی ساکن در ایران نیست. این قوم از در هم آمیختن اقوام تاریخی عرب، ترک، تاجیک، یهود، ارمنی، لر، کرد و ... و تغییر زبانشان در سده‌های ۱۶-۲۰ بوجود آمده است. نه تنها عنصر قومی نوظهور فارس در طول عمر کوتاه مدت

خود فاقد هر گونه سنت دولتمداری و پرچم ملی است، بلکه دیگر اقوام ایرانی زبان ساکن در ایران نیز پس از ساسانیان تجربه دول ایرانی زبان را از سر نگذرانده اند. با فتح ایران به دست اعراب، هیچکدام از اقوام ایرانی زبان تا دویست سال پرچمی از آن خود نداشتند. به این سبب با بروی کار آورده شدن دولت پهلوی به عنوان نخستین دولت فارس توسط امپریالیسم بریتانیا، حتی پیش از آن با به شکست کشانیدن و تحت کنترل در آوردن جنبش مشروطیت، ناچاراً به منظور ایجاد گذشته و پیوستگی تاریخی؛ پرچم و سمبولهای تاریخی دولتهای ترکی حاکم بر ایران به عنوان پرچم ملی قوم فارس و درفش رسمی و دولتی دولت جدیدالتاسیس و ملیگرای افراطی فارس پهلوی انتخاب شده است. پس از آن، دستگاههای تبلیغاتی و تحقیقاتی رژیم پهلوی و استعمارگران غربی، تا به امروز شروع به بازنویسی تاریخ و جعل تاریخی ایرانی- پارسی- آریائی برای این بیرق ترکی، و تبدیل آن به درفشی پارسی کرده اند. آنها در این امر آنچنان موفق بوده اند که دولت تاجیکستان و کردها نیز مرتکب اشتباهی شده و به نیت انتخاب سمبلی ایرانی، اشتباهاً پرچمی ترکی و قزلباشی (افشاری-قاجاری) را به عنوان پرچم ملی خویش برگزیده اند.

با شکست جنبش مشروطه و تصاحب آن توسط مراکز و جریانات ضدترک و ضدآذربایجانی (قومیت‌گرایان فارس، نژادپرستان آریائی، وزارت مستعمرات بریتانیا و سازمانهای اطلاعاتی این دولت، دولتمردان فراماسون، الیگارش‌های پارسی هندوستان-زرتشتی فارسستان، برخی از سران بهائی، توسعه طلبان و دانشناکسوتیون ارمنی، میسیونرهای مسیحی اروپائی و آمریکائی، برخی از شرقشناسان غربی، ترکان و آذربایجانیان الینه شده فارسزده و)، و غصب دولت و قلب تاریخ ترکی ایران؛ پرچم دولت ترکی آذربایجانی قاجار نیز به همین عاقبت شوم گرفتار شد و در یک چشم به هم زدن تبدیل به پرچمی پارسی-ایرانی-زرتشتی و آریائی گشت: "نمایندگان نواندیش [!?!] در توجیه رنگهای به کار رفته در پرچم به استدلال‌ات دینی متوسل شدند، بویژه گروهی از نمایندگان [فارسستانی] مجلس از جمله ارباب کیخسرو و شاهرخ نماینده زرتشتیان با رایزنی، برنامه ای حساب شده ریختند". آنها در جلسه مجلس به تحریف و جعل مفاهیم و مناسبت‌های تازه ای برای بیرق ترکی آذربایجانی سلجوقی-صفوی-قاجاری پرداختند که این جعل و تحریف تا به امروز نیز ادامه دارد. در نتیجه این جعل و تحریف ادعا می شود که در پرچم سه رنگ مشروطیت: "رنگ سبز نشانی از اسلام، رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ این دین، نشانه سبز و خرمی کشور و صفای روح و باطن است. رنگ سبز که در زمان ساسانیان نشان کشاورزان بوده، از همه بالاتر است چون سرزمین ما [فارسستان] بر پایه کار و کوشش که ویژگی کشاورزان است که می تواند بالنده شود. رنگ سفید رنگ ویژه کیش زرتشتی و مورد علاقه زرتشتیان، رنگ موبدان و اندیشمندان؛ نماد صلح، آشتی و پاکدامنی پاکدلی دوستی و آرامش طلبی کشور است. رنگ سرخ خون شهید در اسلام، بویژه امام حسین فرزند علی، خون شهیدان راه اندیشه و باور، نشان مشروطیت ایران و جان باختگان انقلاب مشروطیت؛ و دلیران و پاسداران این مرز و بوم؛ نشان کیش مهر نشان پیکار با بدی ها و پدید آمدگان اهریمن؛ نشان آمادگی ملت ایران برای جنگ در صورت تجاوز بحقوق و آزادی و استقلال خویش و دفاع با خون خویش از حق خود است. شیر علامت شجاعت و استقامت و متانت؛ خورشید منبع نیرو و نور و علامت روشنی دل و جان و شمشیر علامت دفاع از کشورست. نشان

شیر و خورشید یک نشان فرهنگی، تاریخی و دینی که ریشه در هزاره های کهن، از زمان زرتشت، بل متجاوز دارد. از ازل پرچم ایران زمین این نشان شیر و خورشید را با خود داشته است."

معلوم نیست قومیتگرایان فارس که دولتهای تورکی غزنوی و سلجوقی و تیموری و ایلخانی و خوارزمشاهی و ... همه را اشغالگر و خارجی و وحشی می شمارند، به چه سبب هنگامی که نوبت به پرچم آنها می رسد، بیکباره بیرق این دولتهای اشغالگر و خارجی را ایرانی و خودی و ملی تلقی می کنند؟ آیا قومیتگرایان فارس و نژادپرستان آریایی به شدت ضد ترک و ضدشیعه و ضد ترکیه و دیگرانی که این پرچم سه رنگ و شیر و خورشید و شمشیردار را قبول دارند، می دانند که با این کار پرچم اقوام و دولتها و پادشاهان ترک غزنوی، سلجوقی، صفوی، افشار و قاجار را که خود آنها را وحشی و پست و ضدایرانی می شمارند بر افراشته و آمblem غلات شیعه ترک آرانی و ترکیه ای و سوریه ای را سمبل ملیت فارس و نژاد آریا انگاشته اند؟ نمیشود دل در گرو فارسیت و ایرانیت و آریائیت داشت اما پرچم دولتهای تورک و آذربایجانی را بلند کرد.

پرچم مشروطه چیان تبریز - ۱۹۰۸

بنا به برخی از منابع، "پیش از تصویب متمم قانون اساسی و در اوایل شورشهای مشروطه خواهی، بعضی از دسته های مجاهدین و شاگردان مدارس تبریز که از بکار بردن پرچم حکومت استبدادی اعراض کرده بودند، به مناسبت دوره ی انقلاب و شورش، "پرچمهای سرخ" با خود حمل می کردند و با خواندن سرودهای مهیج در اجتماعات ملی شرکت می نمودند." [تاریخ مشروطه ایران]. باز به گفته کسروی شهر تبریز در زمان ستارخان با پرچم "قرمز" یا "سرخ" رنگ محافظت شده بود. در اینجا رنگ سرخ یا قرمز معنی جنگ و مقاومت در برابر روسها را داشته است: "پرچم قرمز یکبار در مقاومت شهر تبریز در برابر اشغال شهر توسط روسها بکار رفته. در آنزمان ستارخان و یارانش شبانه پرچم سفید را از جلوی خانه های شهر برمیدارند و بجای آن پرچم برنگ قرمز را قرار میدهند" [تاریخ هجده ساله آذربایجان - احمد کسروی].



تبریز مشروطه چیلری بؤلوکلرینین بایراغی

به همه حال چه به مناسبت انقلاب و شورش دوره مشروطه و چه به عنوان سمبل مقاومت در برابر اشغال روسها، این حادثه نخستین نمونه طرد پرچم دولت ترکی آذربایجانی قاجاری، از سوی گروهی از ترکان و آذربایجانیان است. این اقدام - هر چند ناآگاهانه- آنهم در زمانی که دولت قاجار دولتی ترک و آذربایجانی بوده؛ و پرچم این دولت ترک و آذربایجانی، هنوز ماهیت و شناسنامه فارسی- زرتشتی- آریائی کسب نکرده بود، به شکل عدم وجود شعور ملی ترکی و آذربایجانی از سوی این دستجات تبریزی تفسیر شده است.

مخالفت سلطان احمدشاه قاجار با پرچم بنیادگرایان فارسستان

در سالهای نخستین سلطنت سلطان احمدشاه قاجار، پرچم تاریخی سه رنگ سبز و سفید و قرمز افشاری-قاجاری با علامت شیر و خورشید و شمشیر سلجوقی-مغولی-قزلباشی، پرچم رسمی دولت ترکی آذربایجانی قاجار بود و بر این پرچم که در عین حال بیرق نهضت مشروطیت نیز بشمار می رفت، هنوز شناسنامه پارسی-زرتشتی-آریائی بار نشده بود. از همین رو در این سالها دستجاتی از فارسها از موضع بنیادگرائی اسلامی به مخالفت با آن پرداختند و در یک اقدام هماهنگ در کرمان و برخی دیگر از مناطق فارسستان پرچمهایی بر افراشتند که در آن نشان شیر و خورشید و شمشیر ترکی پرچم مشروطیت حذف و آیه قرآنی «یدالله فوق ایدیهم» جایگزین آن شده بود. تا اینکه به دستور احمد شاه قاجار این تغییر ممنوع و از بر افراشته شدن پرچمهای ارتجاعی مذکور ممانعت به عمل آمد. [این پرچم بنیادگرایان فارس هم اکنون در محل باغ موزه هرنندی شهر کرمان در حال نگهداری است. پس از گذشت یکصد سال از دوره مشروطیت، جمهوری اسلامی ایران در صدد تبلیغ این پرچم فارسستانی به عنوان بیرق نهضت مشروطیت و به جای پرچم دولت ترکی آذربایجانی قاجار بر آمده است]. این اقدام احمد شاه، یکی از معدود و بلکه تنها نمونه تلاش رهبران و روشنفکران آذربایجان، برای نجات پرچم تاریخی ترکی و آذربایجانی سه رنگ سبز و سفید و سرخ با نشان شیر و خورشید و شمشیر بر آن محسوب می شود. اما بر خلاف بیرق عثمانی، که با سقوط آن و تاسیس جمهوری مدرن ترکیه، همچنان به عنوان پرچم ملی ملت ترک باقی مانده و به طور طبیعی به پرچم ملی جمهوری نوظهور در این کشور تبدیل شد؛ پرچم دولت قاجاری، با ساقط شدن دولت ترکی آذربایجانی قاجار و دست به دست گشتن حاکمیت در ایران از ترکان به فارسها، نه تنها به پرچم ملی ترکان تبدیل نشد، بلکه بر عکس از هویت و ماهیت خود منتزع و به طور مصنوعی به درفش ملی قوم دیگری یعنی قوم فارس و دولتی ضد ترک و ضدآذربایجانی یعنی دولت پهلوی مبدل گشت.

پرچم اتحاد اسلام آذربایجان به مرکزیت اورمیه - ۱۹۱۷

در عرفه جنگ جهانی اول، پرچم مشروطیت به طور روزافزونی در حال کسب کردن هویت و شناسنامه پارسی- ایرانی-آریائی و زرتشتی بود. قلب ماهیت این پرچم اصلا ترکی و آذربایجانی و تغییر در عملکرد نمادینش، لاجرم ترکان ایران و آذربایجانیان را به سوی طرد آن سوق داد. چنانچه در همین سالها نخستین ضربه جدی و آگاهانه بر این پرچم اکنون پارسی- ایرانی-آریائی-زرتشتی، با طرح بیرق جدیدی از طرف مجلس اتحاد اسلام آذربایجان به

مرکزیت اورمیه وارد شد. پرچم مجلس اتحاد اسلام آذربایجان به مرکزیت اورمیه در اصل عبارت است از پرچم عثمانی به علاوه شیر و خورشید و شمشیر ترکی (سلجوقی-مغولی-قزلباشی). این پرچم در تاریخ آذربایجان و ترکان ایران، از همه جهت نخستین بشمار می رود.



آذربایجان ایسلام بیرلیسی مجلسی بایراغی

این مجلس نه تنها سه نوار سبز و سفید و سرخ را برداشته و آنرا با رنگ پرچمهای دولتهای تورکی باستان و قدیم، یعنی سرخ یکپارچه جایگزین کرد، بلکه پس از قرنها و در اقدامی بسیار بی سابقه، دگر باره نشان ماه و ستاره تورکی را به پرچم ترکان آذربایجان و ایران باز گرداند. ستاره بیرق مجلس اتحاد اسلام آذربایجان، مانند ستاره بیرق عثمانی هشت پر بود. [ستاره تورکان باستان از جمله امپراتوری گوک تورک، پنج پر است. این ستاره پنج پر در اواخر دوره سلطان عبدالمجید به جای ستاره هشت پر عثمانی که اصلی سلجوقی داشت، بکار رفته و پس از تاسیس جمهوری ترکیه، بر پرچمهای ترکیه مدرن نقش بسته است]. یکسال پس از مجلس اتحاد اسلام آذربایجان به مرکزیت اورمیه، علامت هلال ماه و ستاره هشت پر بر پرچم جمهوری خلق آذربایجان به رهبری محمد امین رسولزاده جایگرفته است. پرچم مجلس اتحاد اسلام آذربایجان-اورمیه، همچنین با تاکید بر یگانگی ترکان آذربایجان و ترکان آناتولی، چرخشی تاریخی و بنیادی در تعریف هویت خود ترکان ساکن در آذربایجان از ایرانیت و شیعیت به ترکیت و اسلامیت بشمار می رود. پرچم مجلس اتحاد اسلام آذربایجان-اورمیه که بر مبانی هویتی آذربایجانیان و تعلق آن به دنیای تورک شکل گرفته است در عین حال نخستین پرچم صرفا طراحی شده برای آذربایجان جنوبی در تاریخ بشمار می رود.

بیدق مجلس مقدس اتحاد اسلام- آذربایجان: [به نقل از تاریخ تهاجمات و جنایات ارامنه، اسماعیل سمیتقو و سردار ماکو در آذربایجان. میرزا ابوالقاسم امین الشرع خوبی -متوفای ۱۳۴۸ قمری. به کوشش علی صدراپی خوبی]

..... عمومی آرامنه و نصاری تحمل حملات مردانه ترکان را نیاورده و از جولگه سلماس فرار کرده، در ارومیه اتراق نموده و عسکر عثمانی هم تا قلعه کریوه قوشچی که کریوه بسیار سختی است رفته و در آن قلعه جماعت آرامنه و نصاری سنگر کرده و ترک ها هم در همان کدوک [گردانه] نشسته، مشغول زد و خورد بودند و در این بین محاربات و مضاربات بسیار فقره فقره خیلی اتفاق افتاده بود به مجرد وصول لشکر ترک -ایدهم الله تعالی- گویا خون در عروق حضرات مسیحی ها منجمد گردید..... و نیز الیان پاشا قماندار اردوی ششم با جماعت کافیه بر سر ارومیه هجوم کرده و مسیحی ها را از جلو برداشته در مدت قلیلی شهر ارومیه و اطراف آن را نیز از آرامنه و نصاری تخلیه کرده و عموم مسیحیان به جانب موصل و بغداد رهسپار شدند و از ممالک محروسه ایران بالتمام خارج گردیدند اشهد بالله ترک ها را در این جنگ که با آرامنه و نصاری اتفاق بیفتاد شجاعت و شهامتی و دلیری و جسارتی نشان داده بودند که از یادها فراموش و از تاریخ ها محو نخواهند بود و شایان همه قسم تعریف و تمجید می باشند. و مابقی اردوی عثمانی ها در تبریز و خوی و سلماس اقامت کرده و با مردم به طریق مهربانی رفتار همی کردند و در هر یک از این شهرها مجلسی به اسم اتحاد اسلام تشکیل داده و مردم را عموماً به اتحاد و دوستی دعوت می کردند حضرات ترکان بعد از آمدن به صفحه آذربایجان مردم را با خودشان بر دوستی و اتحاد دعوت کرده و بنایشان بر این بود که چنانچه ما بین عموم فرق خاچ پرست اتفاق و اتحادی واقع است که در سایه آن اتفاق و اتحاد عمومی در روی زمین با عزت و شرف زندگانی می نمایند. با وجودی که اختلاف مذهبی مابین کاتولیک و ارتدوکس و پروتستانی چه قدر است و مابین این ها نیز اختلافات بسیار و مسالک بی شمار دارند، ارمنی و نصرانی از جهت مذهبی هیچ موافقتی ندارند، مگر اینکه در خاچ پرستی و ستایش صلیب اتحادی دارند. و هکذا روس و انگلیس و دول دیگر.

هکذا اسلام را هم لازم است که مابین خودهاشان اتفاقی و اتحادی در حمایت همدیگر کرده و معاونت از یکدیگر داشته باشند. به جهت پیشرفت مقاصدشان تا بیشتر از این گرفتار مذلت و بدبختی و نکبت و بی شرفی نبوده باشند. از این جهت مجلس اتحادی به اسم «اتحاد اسلام» افتتاح کرده و مردم را به دوستی دعوت همی کردند و این اتحاد در قفقاز چند سال قبل مابین شیعه و سنی خصوصاً با ترکان پس از جنگ ارمنی و مسلمان در کار بوده است..... و به جهت آن مجلس مقدس هیئت رئیسه‌ای انتخاب نمودند و چون این بنده داخل بعضی ادارات و تشکیلات نشده بودم لاجرم حقیر را حسب الخواش جماعت هم از اجزای آن مجلس انتخاب نمودند و کسی را بدون بلیط داخل آن مجلس اتحاد نمی کردند و بیدق های آن مجلس مقدس را هم مرکب از شیر و خورشید و ماه و ستاره قرار داده بودند. ... شبانه از خوی با جمعی محترماً و ده نفر سواره حکومت جلیله و چهار پنج چرخه درشکه و بیرق های گوناگون دائر بر اتحاد و مبارک با عید ملی حرکت نمودیم..... و شب ما را دعوت کرده و مجلس بسیار عالی مرتب کرده بود، حکومت ارومیه و کارگزار و تمامی ضابطان حضور داشتند و نیز نطقهای مشروح چنانچه مقتضای آن مجلس عالی بود در تهییج به تشدید مبانی دین و اتحاد ما بین ملت اسلام به نحوی دلپذیر و خوش آینده هم به عمل آمده و پاشا از حالتش از وضع آن محفل شریف غایت خوشحالی را اظهار کرده و بهجت و شگفتی مخصوص داشت..... اهالی مملکت ما هم دامن محبت و دوستی ترکان را محکم گرفته و از نام و نژاد قدیمی خود [ترک] یادها کرده و افسانه ها می خواندند و اثبات می کردند که ما نیز قدیماً از ایل و الوس ترکان

بوده و از خاک پاک ترکستان قدیم بوده و هستیم. لیکن بعد از رفتن عثمانلویها آنوقت ورق برگردیده و چه شکایت ها که اظهار کرده و چه نفاق ها که به قالب نزدند.

پرچم جمهوری خلق آذربایجان (قفقاز)-۱۹۱۸

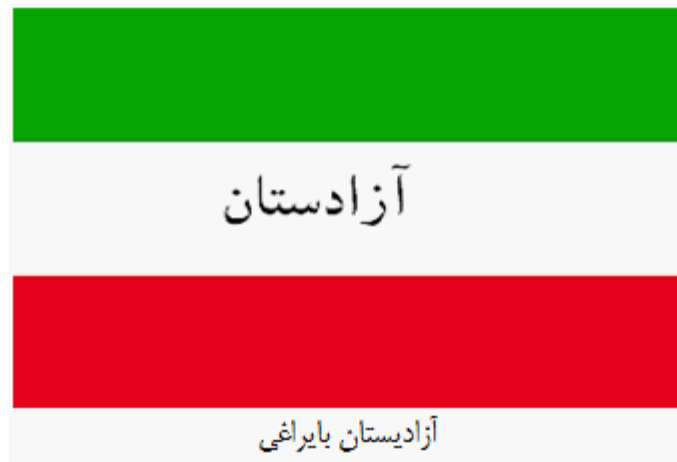
اقدام ناآگاهانه جوانان تبریز در دوره مشروطیت و حتی اقدام بسیار آگاهانه جمعیت اتحاد اسلام به مرکزیت اورمیه در پایان دادن به تلقی پرچم سه رنگ و شیر و خورشید و شمشیردار به عنوان سمبل ملی و یا دولتمداری ترکان آذربایجان، در میان خود آذربایجانیان و ترکان انعکاس گسترده و ماندگاری نداشت. چرا که هر دو این حرکتها و لاجرم پرچمهای آنها غیردولتی بوده اند. اما اتخاذ پرچم سه رنگ آبی، سرخ و سبز با آرم هلال ماه و ستاره هشت پر عثمانی-سلجوقی از سوی جمهوری مستقل خلق آذربایجان به سال ۱۹۱۸، به معنی دقیق کلمه میخ بر تابوت پرچم سه رنگ به عنوان سمبل ملی دولتمداری ترکان آذربایجانی است. با این اقدام، اقلا بخشی از ترکان و آذربایجانیان، پرچم تاریخی خود را که اینک از طرف قومیتگرایان فارس غضب شده و تبدیل به پرچمی آریائی-پارسی-زرتشتی گشته بود، طرد نمودند و به هويت آن به عنوان نماد ملی و یا دولتمداری ملت ترک و سرزمین آذربایجان رسماً پایان دادند.



البته ظهور این پرچم نیز صد در صد نشان پایان عملی عمر تاریخی پرچم سه رنگ سبز، سفید و سرخ شیر و خورشید و شمشیر دار بویژه در میان ترکان ایران و آذربایجان جنوبی بشمار نمی رفت. زیرا همانگونه که بعدها دیده شد، هنوز دو حرکت سیاسی و دولت ساز در آذربایجان جنوبی یعنی حرکت آزادستان به رهبری شیخ محمد خیابانی و حکومت ملی آذربایجان به رهبری پیشه وری در تبریز، در پرچمهای دولتهای خویش به سه رنگ سبز و سفید و سرخ قاجاری- مشروطیت، علی رغم اعراض و دوری اورمیه از این پرچم، وفادار بوده اند.

پرچم آزادستان در تبریز-۱۹۲۰

تاریخ نگاران متفق القول اند که جنبش شیخ محمد خیابانی - هرچند عملا و ناخواسته نقشی عظیم در ایجاد حس و مفکوره استقلال آذربایجان جنوبی داشته است - اساسا و در ابتداء به استقلال آذربایجان جنوبی و یا ایجاد دولتی فدرال و منطقه ای برای آن نمی اندیشید و پس از به دست گرفتن حاکمیت نیز همه اجرائات و تدابیر آن در چهارچوب ایران و برای ایران بود. حتی بررسی بی طرفانه منابع و اسناد باقی مانده از این حرکت - بر خلاف ادعاهای برخی از هویت طلبان آذربایجانی در سالهای اخیر - نشان می دهد که عده ای از رهبران آن دارای مشکلاتی اساسی با زبان ترکی، هویت ترکی آذربایجان، دولت عثمانی، مقاومت مسلحانه مردم غرب آذربایجان بر علیه توسعه طلبان ارمنی و نیز جمهوری آذربایجان (قفقاز) بوده اند. به عنوان نمونه خیابانی تشنهائی با دولت عثمانی، که بسیاری از رهبران دمکرات آن زمان و بویژه توده ترک قتل عام و نسل کشی شده توسط ارامنه در غرب آذربایجان به وی به چشم رهائی بخش نگاه می کردند، داشت. خیابانی حتی روزنامه ترکی زبان آنان در تبریز را که بر علیه سیاستهای استعماری بریتانیا و روسیه افشاگری می نمود، شعار ترک بودن آذربایجان را می داد و مدافع اتحاد و مقاومت ترکان آذربایجان بر علیه توسعه طلبی و قتل عامهای ارمنیان بود را توقیف نمود که در نهایت باعث تبعید وی از طرف عثمانی ها به شهر قارس شد. همچنین این حکومت در اعتراض به انتخاب رسمی نام آذربایجان از سوی دولت مساوات برای جمهوری تازه تاسیس شده آذربایجان در قفقاز، در اقدامی بشدت ضد ترکی و ضد آذربایجانی، نام آذربایجان را با کلمه فارسی آزادستان تعویض نمود. سران این حکومت بدین اشتباه نیز بسنده نکرده، در نشستی بر ترک داوطلبانه ترکی نویسی و اجتناب از ترکی گوئی توافق نمودند.



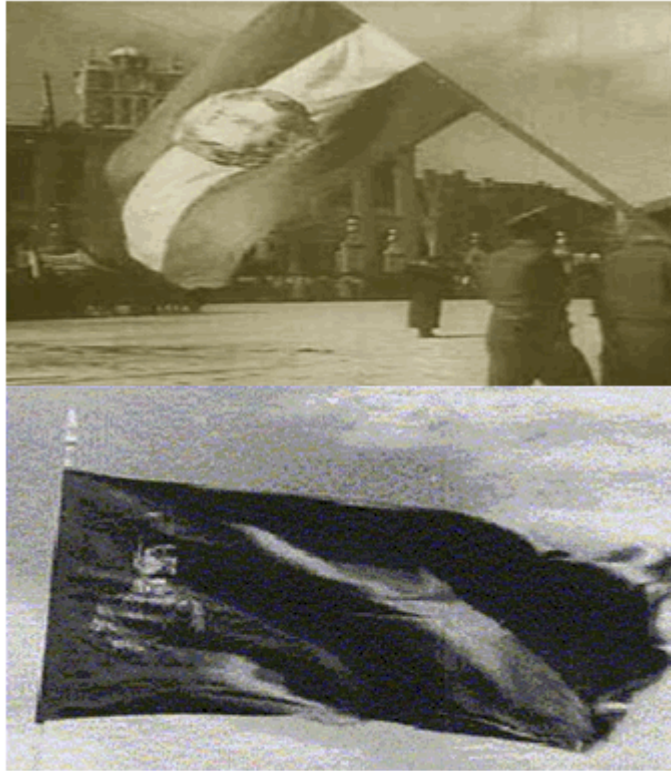
با چنین ماهیت و ذهنیتی، طبیعی بود که حکومت آزادستان به فکر ایجاد پرچمی مستقل برای آذربایجان نیز نباشد. با این همه تخصص و رویارویی روزافزون این دولت محلی با دولت مرکزی و سیر غیرقابل کنترل اوضاع،

وی را هر روز به قطع کردن یکی دیگر از پیوندهای موجود آذربایجان با دولت مرکزی سوق داد. چنانچه بنا به بعضی منابع پس از مدتی حکومت آزادستان به طراحی پرچم ویژه خود پرداخت. این اقدام را بی شک می توان گامی در مسیر استقلال ملی آذربایجان ارزیابی نمود. از طرف دیگر، این اقدام حکومت آزادستان، از آنجائیکه پرچم سه رنگ سبز و سفید و سرخ در این زمان، کاملاً هویتی پارسی-زرتشتی- ایرانی یافته و از هویت تاریخی و واقعی ترکی و آذربایجانی خویش تجرید شده بود، آنهم پس از آنکه اورمیه مدتی پیش پرچم یکپارچه سرخ با هلال ماه و ستاره هشت پر را به عنوان پرچم آذربایجان اعلام کرده بود، می تواند گامی در جهت ایرانیگری و بر خلاف استقلال ملی آذربایجان تلقی شود. جای دادن کلمه فارسی آزادستان (در بعضی منابع، عبارت زنده باد آزادستان) به جای آرم شیر و خورشید و شمشیر ترکی (سلجوقی-صفوی-قاجاری) نیز این شبهه را تقویت می کند. لوک بورانیان ارمنی در باره نام دولت آزادستان به رهبری خیابانی می نویسد: آزادستان (در فارسی) به معنی سرزمین آزاد است. -ستان پسوندی با ریشه هند و ایرانی است که به زبانهای بسیار تورکی وارد شده است. این کلمه در زبان ارمنی در نام های استان (به معنی ارمنستان) نیز وجود دارد. آزاد در زبان ارمنی نیز به معنی آزاد فارسی است".

پرچم حکومت ملی آذربایجان - تبریز ۱۳۲۵

در فیلمها و عکسهای بیادگار مانده از مراسم و رژه های مختلف دوره حکومت ملی آذربایجان - از جمله رژه فدائیان در مقابل میدان شهرداری تبریز (ساعات قاباغی)- پرچمهای برافراشته شده مختلفی دیده می شود. از مهمترین اینها، یکی پرچم قاجاری-مشروطیت با آرم حکومت ملی آذربایجان به جای شیر و خورشید و شمشیر ترکی، و دیگری پرچمی یکپارچه قرمز با تصویر از ستارخان در کنار آن است. این عکسها و فیلمها به همراه مدارک موجود دیگر نشان می دهند که حکومت ملی آذربایجان دارای سیاست صریح، مشخص و جاافتاده ای در باره پرچم دولت خود، آذربایجان جنوبی و خلق ترک نبوده؛ و هنوز به ضرورت ایجاد و طراحی پرچمهایی مستقل که تمثیل کننده هویت ملی خلق ترک و دولتمداری آذربایجان جنوبی باشند نرسیده بود.





آذربایجان میلی حؤکومتینین بایراقلاریندان ۱۹۴۴-۱۹۴۵



چنانچه مرکز مطالعات و تحقیقات فرقه دموکرات آذربایجان - آدفام در مقاله "پرچم، نشان هویت و استقلال" خود به تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۸۴، حکومت ملی آذربایجان را حکومتی خودمختار ملی بر اساس قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی، و معتقد به تمامیت ارضی کشور توصیف نموده و پرچم حکومت ملی آذربایجان را همان پرچم ایران (پرچم مشروطیت) دانسته و می نویسد: "حکومت های ملی آذربایجان و کوردستان (۱۳۲۴ - ۱۳۲۵) که مبنای حقوقی تشکیل آنان، قانون انجمن های ایالتی و ولایتی نخستین قانون اساسی کشور بود، نیز با توجه به این که

به خودمختار ملی در چارچوب ایران پایبند بودند، همان پرچم تایید شده در قانون اساسی مشروطیت را پذیرفتند. با این تفاوت که بعنوان حکومت خودمختار، گُرب یا نشان ملی خود را بجای نشان شیر و خورشید قرار دادند، امری طبیعی در کشورهایی که بطور فدرال اداره می شوند. مسئله مهم و حائز اهمیت در خصوص پرچم حکومت‌های ملی آذربایجان و کوردستان این است که، علیرغم تبلیغات مغرضانه و غیر واقعی گروه های مرتجع و واپسگرا که این حکومت ها را تجزیه طلب خوانده و می خوانند، پذیرش پرچم ایران بعنوان پرچم حکومت های خودمختار ملی بار دیگر ثابت می کند که این حکومت ها به تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور معتقد بوده و به آن احترام می گذاشتند. امری که در برنامه حکومت های ملی و نخستین ماده از مرامنامه احزاب تشکیل دهنده این حکومت ها بر آن صحه گذاشته شده است".

پلاتفورم دمکراتیک ترک (ت.د.پ.)، تورک دئموکراتیک پیلاتفورمو) - ۱۹۹۴

پس از سقوط حکومت ملی آذربایجان، و به موازات ایجاد سکتہ ای طولانی در روند ملت شوندگی خلق ترک و مبارزه این خلق برای احقاق حقوق ملی و مدنی خود، موضوع پرچم آذربایجان جنوبی نیز بیش از نیم قرن به فراموشی سپرده شد. تا آنکه طلسم وفاداری به پرچم سه رنگ سبز و سفید و سرخ دولت ترکی آذربایجانی قاجاری در میان ترکان آذربایجان جنوبی و ایران به سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)، هنگامی که یک تشکیلات ترک و آذربایجانی از ایران بنام ت.د.پ. "TDP" تورک دئموکراتیک پیلاتفورمو "*Türk Demokratik Platformu*" (در آن موقع با نام "آزری دئموکراتیک پیلاتفورمو") دارای گرایشات مرکز-چپ پرچمی مستقل برای آذربایجان جنوبی را طرح و پیشنهاد کرد شکسته شد. در اعلامیه ترکی پخش شده در اینبار به تاریخ ۱۹۹۴ گفته می شود: "پرچم سه رنگ سبز، سفید، سرخ با آرم خورشید و شیر و شمشیر، اصلا و به لحاظ تاریخی پرچمی ترکی و آذربایجانی است. اما بدلائل گوناگون در طول قرن بیستم، محتوای جدید و جعلی بر این پرچم بار شده است. چنانچه این پرچم اکنون و به طور برگشت ناپذیری به سمبل ملی قوم فارس حتی دیگر اقوام ایرانی زبان (کرد، تاجیک) و ایرانیت (ایرانی) تبدیل گردیده است. به همین دلیل نیز ضرورتی تاریخی برای عرضه پرچمی مستقل و ملی برای خلق ترک و آذربایجان جنوبی ایجاد شده است.



تورک دئموکراتیک پیلاتفورمو اؤنه‌ریسی - ۱۹۹۴

زمینه پرچم پیشنهادی ت.د.پ.، مانند پرچم جمهوری آذربایجان متشکل از سه نوار افقی به رنگهای آبی، سرخ و سبز به نشانه یگانگی آذربایجان جنوبی و شمالی است. در وسط پرچم، سه شعله که مجموعاً تمثیل اودلاریوردو (نام ترکی آذربایجان، سرزمین آتشفها) می باشند نقش بسته است. شعله اول به نشانه حرکت بای‌بک، شعله دوم به نشانه حرکت قزلباش به رهبری شاه اسماعیل و شعله سوم ممثل حکومت ملی آذربایجان به رهبری پیشه‌وری است. این سه شعله همچنین تمثیلگر اه بخش آذربایجان، یعنی آذربایجان جنوبی، آذربایجان شمالی و آذربایجان ترکیه‌اند. مشعل حامل شعله‌ها در حال حرکت به غرب اما خود شعله‌ها رو به شرق دارند که یاد آور تعلق آذربایجان به دو جهان شرق و غرب و همچنین آینده اروپائی و گذشته آسیائی آن است. خورشید وسط پرچم به نشانه تبریز پایتخت ابدی آذربایجان و شمس شرق، ستاره دوازده گوش به نشانه کلاه دوازده ترک قزلباشی است. (برای خواندن اصل ترکی این اعلامیه به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://millibayraq.blogspot.com/2006/10/trk-demokratik-platformunun-tdp-nrdiyi.html>

قابل ذکر است که ت.د.پ. پس از دوازده سال در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) انصراف خود از توصیه پرچم فوق را اعلام نموده است. دلایل انصراف از پرچم مذکور به این شکل آمده است: "سرقت آرم این پرچم از سوی گروهی به اسم "میلیل پارتی"؛ احتمال سوء استفاده قومیت‌گرایان فارس و بنیادگرایان شیعی به ترتیب از خورشید و ستاره دوازده گوش قزلباشی؛ نبود سمبلیایی کافی که بر هویت ترکی آذربایجان جنوبی، و پیوند آن با دولتمداری ترکی، با ترکیه و با دیاسپوراهای ترکان آذربایجانی عراق و سوریه تاکید نمایند". ت.د.پ. همزمان با انصراف از پرچم پیشنهادی قبلی خود، پرچم جدیدی را معرفی کرده است. پرچم پیشنهادی جدید ت.د.پ. همان پرچم جمهوری آذربایجان است که در آن به جای ستاره هشت پر، ستاره پنج پر قرار دارد. در این پرچم، سرخ نشان تورکیت و جهان تورکی، آبی نشان مدرنیته و اروپائیت، سبز نشان گذشته اسلامی است.



تورک دئموکراتیک پیلاتفورمو اؤنه‌ریسی - ۲۰۰۶

ت.د.پ. در توجیه ستاره پنج پر چنین می گوید: "ستاره پنج پر، در حالیکه تاکید بر تاریخ معاصر و شخصیت سیاسی خاص آذربایجان جنوبی در مقایسه با ستاره هشت پر آذربایجان شمالی است، کمترین تباين و تفاوت را با آن داراست؛ نشان پیوندهای چند جانبه آذربایجان جنوبی با ترکیه مدرن؛ همچنین با دیاسپورای ترکان آذربایجانی

عراق و سوریه که در پرچمهایشان ستاره پنج پر را جای داده اند است؛ نشانی است که در سکه ها و پرچمهای گوک تورکها آمده است؛ ستاره پنج گوش علامت بین المللی پیشگامی و انقلابیگری بوده و نشان از پیشگامی و انقلابیگری آذربایجان دارد. همچنین سمبل ماه و ستاره پنج پر، نشان جهان اسلام بدور از تعصبات سنیگری و شیعیگری است و محتوایی بر علیه فاناتیزم شیعی داشته؛ همخوانی کامل با جامعه سکولار و دولت لائیک آذربایجان دارد." به اعتقاد ت.د.پ. در حال حاضر بحث در باره پرچم آذربایجان واحد و یکپارچه بحثی زودرس، غیرواقعی، زائد و بی معنی، و اعلام پرچم جمهوری آذربایجان به عنوان پرچم آذربایجان واحد و یکپارچه نیز نگرشی نادرست است. زیرا تصمیم گیری در باره پرچم آذربایجان متحد می باید در آینده، پس از ایجاد جمهوری آذربایجان جنوبی و پدیدار شدن افق اتحاد، آنهم توسط دو دولت آذربایجان جنوبی و شمالی و مشترکا انجام گیرد.

به همه حال پس از این تابو شکنی به سال ۱۹۹۴، به سرعت و در فاصله کوتاهی از طرف گروهها و اشخاص گوناگون ترک و آذربایجانی دهها پرچم که در اکثر آنها از سه نوار سبز و سفید و سرخ و آرم شیر و خورشید و شمشیر ترکی اکنون غضب شده توسط فارستها خبری نیست، طراحی و عرضه شد. در زیر به برخی از این پرچمها اشاره می شود. برای آشنائی با دیگر پرچمهای پیشنهادی آذربایجان جنوبی به آدرس زیر مراجعه کنید:

[\(http://millibayraq.blogspot.com/\)](http://millibayraq.blogspot.com/)

نشریه آنادیلی (آنادیلی نشریه سی) (آلمانیا) - ۱۹۹۸ ؟

در سالهای پایانی ده نود میلادی در نشریه آنادیلی *Ana Dili* چاپ آلمان پرچمی برای آذربایجان جنوبی بکار رفته است. این پرچم مرکب است از سه رنگ پرچم جمهوری آذربایجان بدون آرم هلال ماه و ستاره هشت پر در وسط آن.



آراز اوغلو - ۱۹۹۹

در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) کتابی بنام "مختصر آذربایجان تاریخی" *Müxtəsər Azərbaycan Tarixi* (تاریخ مختصر آذربایجان) تألیف آراز اوغلو از ترکان آذربایجان ترکیه چاپ شد. این کتاب از طرف "بوتوو آذربایجان بیرلییی *Bütöv Azərbaycan Birliyi*" (باب-اتحادیه آذربایجان یکپارچه) با اشاره و حمایت ائلچی بیگ که در آن تاریخ صدر این تشکیلات بود منتشر شده است. آراز اوغلو در این کتاب پرچمی موقتی برای آذربایجان جنوبی را طرح و معرفی نموده است. عده ای ادعا نموده اند که ائلچی بیگ این پرچم موقتی را شخصا پذیرفته بود. (ئلچی بیگ در تاریخ ۲۱ آگوست ۱۹۹۵ در دیدار با گروهی از روشنفکران آذربایجان جنوبی گفته بود: "روزی خواهد آمد که بیرق به احتزاز در آمده در شمال، در تبریز نیز برافراشته خواهد شد").



آراز اوغلو با تأکید بر اینکه همه ترکان آذربایجان فقط دارای یک پرچم مقدس می باشند که آن هم پرچم جمهوری مستقل آذربایجان است، اضافه می کند "با اینهمه سیر تاریخ و حوادث سیاسی ضرورت داشتن پرچمی مستقل برای آذربایجان جنوبی را به میان آورده است". پرچم آراز اوغلو همان پرچم جمهوری آذربایجان است که علامت هلال ماه و ستاره هشت پر سفید آن، به رنگ سیاه تصویر شده اند. وی انتخاب رنگ سیاه را به دلیل مستقل نبودن، تحت اسارت و اشغال فارسها بودن آذربایجان جنوبی ذکر کرده است. به گفته آراز اوغلو "رنگ سیاه در پرچم آذربایجان جنوبی موقتا و تا زمان استقلال و اتحاد دوباره دو آذربایجان، به نشانه عزا باقی خواهد ماند. پس از اتحاد ایندو، با تبدیل رنگ سیاه به سفید، پرچم هر دو آذربایجان به پرچم جمهوری آذربایجان تبدیل خواهد گشت".

گاموح (گونئی آذربایجان میلی اوپانیش حرکتی) - ۲۰۰۳

یکی از مناقشه آمیزترین پرچمهای پیشنهاد شده برای آذربایجان جنوبی، پرچم طراحی و پیشنهاد شده توسط محمودعلی چهرگانی صدر تشکیلات گاموح *GAMOH* (گونئی آذربایجان میلی اوپانیش حرکتی *Güney Azərbaycan Milli Oyanış Hərəkatı*)، تشکیلاتی با گرایش راست ملی و دینی است. وی می گوید "ملت‌های باشرف در زیر پرچم خود زندگی می کنند. پرچم سه رنگ شیر و خورشید و شمشیر که در اصل پرچم دولتهای تورکی حاکم بر ایران می باشد، بیش از یکصد سال است که به سمبل ملی قوم فارس تبدیل گردیده

است". وی در توضیح رنگها و آرم پرچم پیشنهادی خود چنین می گوید: "رنگ آبی، رنگ ترک بودن و تعالی و آرامش و وقار است. قرمز رنگ قدرت و مدرنتیه است. رنگ سبز، رنگ حیات و زندگی، آبادانی و اسلام است. هلال ماه و ستاره سمبل ترکان و اسلام است. ستاره هشت پر ستاره ای است که در اکثر پرچمهای دولت تورکی آذربایجانی موجود بوده است".



این پرچم در اوائل از سوی برخی از جوانان با استقبال گرم مواجه شده، در مراسم سالانه بای بک نیز از سوی جمعی از شرکت کنندگان این مراسم حمل گردیده بود. اما پس از آنکه از سوی گاموح با روشهایی غیردمکراتیک و به طور یکطرفه به عنوان پرچم ملی آذربایجان جنوبی تقدیم و تبلیغ شد (این تشکیلات، محمودعلی چهرگانی را نیز با همان روشها به عنوان رهبر آذربایجان جنوبی تقدیم و تبلیغ می کند) مورد اعتراض گسترده طیفها و شخصیتهای گوناگون آذربایجان جنوبی قرار گرفت. با اینهمه گاموح علی رغم انتقادات و اعتراضات روشنفکران و فعالین سیاسی ترک و آذربایجانی به این پرچم و نحوه تقدیم آن، کماکان تلاشهای گسترده ای برای تثبیت پرچم پیشنهادی خود به عنوان پرچم ملی آذربایجان جنوبی انجام می دهد. چنانچه اخیرا روزی را به نام روز پرچم ملی اعلان نموده و پیشتر نیز، پرچم پیشنهادی خود را به عنوان پرچم ملی آذربایجان جنوبی به یو.اِن.پی.او (UNPO) تقدیم کرده و شناسانده است.

گایبپ (گونئی آذربایجان ایستقلال پارتیسی)-۲۰۰۵

تشکیلات گایپ *GAİP* (گوئی آذربایجان ایستقلال پارتیسی *Güney Azərbaycan İstiqlal Partisi*) تشکیلاتی با گرایش مرکز بوده و همانگونه که از نام آن مشخص است خواهان استقلال آذربایجان و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان است. این تشکیلات که در تقابل با پرچم گاموح، نخست سه پرچم پیشنهاد کرده بود، بعدها بر یکی از آنها متمرکز شده است.



گوئی آذربایجان ایستقلال پارتیسی

پرچم پیشنهادی گایپ همان پرچم جمهوری آذربایجان است که در آن خطی انحنادار به نشانه رود ارس که شمال و جنوب آذربایجان را از هم جدا نموده تصویر شده است. به اعتقاد گایپ، این پرچم موقتی بوده و پس از اتحاد دو آذربایجان نقش رود ارس از پرچم آذربایجان جنوبی برداشته خواهد شد. و پس از آن هر دو بخش آذربایجان دارای یک پرچم واحد - پرچم فعلی جمهوری آذربایجان - خواهند شد.

پرچمهایی که در قیام خرداد ۱۳۸۵ برافراشته شد

بر اساس اخبار و گزارشات در خیزش مردمی آذربایجان به سال ۱۳۸۵ که در راستای دموکراسی خواهی و حقوق ملی ملت ترک انجام گرفت، پرچمهای گوناگونی حمل شده است. برای مثال در اعتراضات مردم اورمیه - دومین شهر آذربایجان - برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران و آذربایجان جنوبی، چندین عدد پرچم جمهوری آذربایجان به عنوان سمبل ملی ترکان ایران و آذربایجان جنوبی حمل شده است. بنا به این گزارشات، مردم معترض که پرچم دولت جمهوری آذربایجان را بالا برده و حمل می کردند، در مقابل کنسولگری دولت ترکیه شعار "تورک قارداش، گل بیزی قورتار!" (برادر ترک بیا و ما را نجات ده) را سرداده اند. حمل پرچم جمهوری آذربایجان از سوی مردم اورمیه و امداد خواستن آنها از ترکیه، بار تاریخی و معنای سمبلیک بسیار مهمی دارد، زیرا علاوه بر آنکه اورمیه، زادگاه اولین پرچم ملی آذربایجان جنوبی است (بیدق مجلس اتحاد اسلام آذربایجان)، ترکان ساکن در اورمیه و دیگر شهرهای غرب آذربایجان همواره عثمانی و ادامه آن ترکیه را ناجی و رهائی بخش خود دانسته اند.



اورمودا باغلیسینز آذربایجان دؤولتی بایراغی

از بررسی گزارشهای موجود در باره خیزش مردمی ۱۳۸۵ آذربایجان معلوم می شود که در حین این خیزش چند پرچم دیگر نیز از سوی جوانان و مردم افراشته و حمل شده است. چنانچه ادعائی تأیید نشده حاکی از آن است که در شهرستان اهر پرچم قرمزی که عکس گرگی بر آن نقش بسته بود بالا برده شده است. همچنین اعلامیه ای در سال ۲۰۰۶ از سوی تشکیلاتی بنام گونئی آذربایجان اینفورماسییا مرکزی (گاییم) منتشر و در آن پرچمی که در برخی مراسم حمل شده به عنوان پرچم آذربایجان جنوبی پیشنهاد گردیده است. این پرچم عبارت است از تصویر بای بک (بابک) بر زمینه ای سرخ.



جمع بندی:

در حال حاضر اجماعی همگانی در باره پرچم آذربایجان جنوبی موجود نبوده و حصول به آن در آینده نزدیک نیز - با توجه به نهادینه نشدن فرهنگ گفتگو و آداب سیاسی مدنی و مدرن جهانی در میان بسیاری از شخصیتها و گروههای سیاسی آذربایجانی - چندان ممکن به نظر نمی رسد. با اینهمه به اعتبار سال ۲۰۰۸ می توان جهتگیری عمومی مباحثات در باره پرچم آذربایجان جنوبی را - که از هم اکنون قابل تشخیص است بدین شرح خلاصه کرد:

۱- آذربایجان جنوبی به پرچمی جدا از قوم فارس و دولت ایران نیازمند است،

۲- آذربایجان جنوبی به پرچمی جدا از جمهوری آذربایجان نیازمند است،

۳- زمینه پرچم آذربایجان جنوبی، همان سه نوار پرچم جمهوری آذربایجان خواهد بود،

۴- پرچم آذربایجان جنوبی دارای نشان هلال ماه و ستاره در میان خواهد بود.

در حال حاضر اختلاف عمده در میان اشخاص و گروههای عمده آذربایجانی مورد چهارم یعنی هلال ماه و ستاره است. (هلال ماه و ستاره پنج گوش سفید بنا به تورک دئموکراتیک پیلاتفورمو؛ هلال ماه و ستاره هشت گوش سیاه بنا به آراز اوغلو؛ هلال ماه و ستاره هشت گوش سفید به همراه خطی به نشان رود ارس بر پرچم بنا به گایپ؛ ...). مساله مورد اختلاف دیگر، مساله پرچم آذربایجان واحد است. به نظر تورک دئموکراتیک پیلاتفورمو، بحث پرچم آذربایجان واحد از هم اکنون بحثی زودرس است و علاوه بر آن تصمیم گیری در باره این پرچم می باید در آینده توسط دو آذربایجان جنوبی و شمالی و مشترکا انجام گیرد. در حالیکه ائلچی بیگ، آراز اوغلو، گایپ و ... از هم اکنون پرچم جمهوری آذربایجان را به عنوان پرچم آذربایجان واحد آینده شناخته اند.

پرچمهای دیگر مناطق ملی ترک نشین در ایران و دیاسپوراهای ترکان آذربایجانی در خارج

علاوه بر پرچمهای پیشنهادی برای آذربایجان جنوبی، در سالهای اخیر پرچمهای گوناگونی برای دیگر مناطق و سرزمینهای زیستی ترکان ایران طرح و پیشنهاد شده اند. در زیر به برخی از این پرچمها اشاره می شود.

قاشقای یورد:



قاشقای یوردو بایراغی (ت.د.پ. اؤنهریسی)

زمینه این پرچم تصویر یک قالی بوده، در وسط آن هلال ماه و ستاره هشت پر نقش بسته است. (هلال ماه و ستاره افقی نشانه آذربایجان و هلال ماه و ستاره عمودی نشانه قاشقای یورد است). این پرچم ممثل همه ترکان جنوب ایران است و مختص ایل قشقائی نیست. پرچمهای ویژه ای برای ایل قشقائی پیشنهاد شده اند که دو نمونه آنها در زیر آمده است:



قاشقای ائلی بایراغی (ت.د.پ. اؤنهریسی)

نشانه واقع در مرکز پرچم، علامت دولت آغ قویونلو و یا بایندریه می باشد که به گفته بسیاری از جمله ملک منصور قشقائی، هسته اولیه ایل قشقائی منتسب به آن است. این نشانه، همچنین حرف "با" در الفبای رونیک اورخون می باشد ("با" هجای نخست بایندیر است، بایندیر نام دیگر ایل آغ قویونلو می باشد).

خلجیستان:



خلجیستان بایراغی (ت.د.پ. اؤنهریسی)

نشان سمت چپ در زمینه آبی، نشان قوم تورکی باستان آرقو که عده ای از تورکولوقها خلجها را منسوب به آنها دانسته اند می باشد. نشان سمت راست در زمینه سبز، نشان آغ هونها می باشد که بر سرزمینهای جنوب آسیا و شبه جزیره هند -سرزمینهایی که دولت خلجی در آنجا تاسیس شده بود- حکمرانده اند. هلال ماه و ستاره عمودی در زمینه قرمز، نشان قاشقای یورد است که خلجها یکی از مهمترین ایلات اولیه بوجود آورنده آنها می باشند (هلال ماه و ستاره افقی نشان آذربایجان است).

آفشار یورد:



آفشار یورد بایراغی (ت.د.پ. اؤنهریسی)

نشان وسط سمبل سلجوقیان و دولت تورکی سلجوقی است.



آفشار یورد بایراغی - (گاموح اؤنه‌ریسی)

پرچم دیاسپورای ترکان آذربایجانی عراق



پرچم دیاسپورای ترکان آذربایجانی سوریه



پرچم دیاسپورای ترکان آذربایجانی ارمنستان



پرچم دیاسپورای ترکان آذربایجانی آخیسقا - مسخت



گنر چه یه هو!!!